

بررسی رابطه نقش اجتماعی پلیس و احساس امنیت خانواده‌ها مطالعه موردی (شمال تهران)

علی محمد پورمؤذن^۱

تاریخ وصول: ۸۹/۲/۵

تاریخ پذیرش: ۸۹/۶/۲۵

چکیده

کار پلیس با محوریت جامعه از جمله مدل‌های نظری راهبرد پلیس می‌باشد که در سال‌های اخیر به الگوی غالب و کارآمدی در فرآیند امور پلیسی تبدیل شده است. بازتاب فلسفه کار پلیسی با محوریت جامعه در نقش اجتماعی پلیس متجلی می‌گردد و از این رویکرد است که خدمات پلیس براساس توقعات و انتظارات مردم و نهادهای اجتماعی بازخوانی و تعریف می‌شود.

«پژوهش» حاضر تحقیقی کاربردی است که نقش اجتماعی پلیس را در نظریه مدل جدید اداره امور پلیسی با محوریت جامعه و نقش آن در تعیین و تغییر کارکردهای پلیس و تأثیر بی‌شائبه آن بر احساس امنیت نهاد خانواده‌ها را به محک آزمایش گذاشته است. اهتمام اصلی این پژوهش آن بوده که با حفظ مرجعیت و اقتدار دولتی پلیس، ضرورت وجود نقش اجتماعی آن را در پرتو و معطوف به تقویت و تحکیم رابطه با خانواده تبیین نماید. بدین ترتیب ابتدا شأن دولتی پلیس تشریح و نقش اجتماعی آن مورد بحث قرار گرفته است. سپس ظرفیت امنیتی نهاد خانواده در حکم منبعی نیرومند و اساسی در راستای گسترش و تحکیم امنیت و ثبات اجتماعی مورد بحث واقع شده و نقش و اهمیت خانواده از این زاویه بررسی شده است.

این پژوهش با شیوه پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شده است. جامعه آماری آن شامل مجموعه خانواده‌های ساکن در شمال تهران بوده که رابطه نقش اجتماعی پلیس و احساس امنیت خانواده‌ها در جامعه آماری با انتخاب نمونه و توزیع پرسشنامه بین

۱- کارشناس ارشد مدیریت انتظامی



سرپرستان خانواده‌ها، مورد سنجش واقع و پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها با روشهای آماری نتایج حاصله براساس فرضیات تحقیق مشخص و پس از تشریح آن، پیشنهادات لازم در رابطه با موضوع تحقیق ارائه گردیده است.

از یافته‌های این پژوهش می‌توان جهت شفاف سازی و تقویت نقش اجتماعی پلیس در برنامه‌های آموزشی و تعدیل کارکردهای پلیس بهره‌گیری کرد.

واژگان کلیدی: نقش اجتماعی، احساس امنیت، پلیس جامعه محور، خانواده.

مقدمه

مطالعه در تاریخ جوامع بشری از آغاز تاکنون حکایت از آن دارند که برخی از نیازهای انسان علیرغم پیشرفتهایی که در سیر تاریخی او صورت گرفته هنوز با او همراه بوده و نه تنها از اهمیت آن کاسته نشده، بلکه ابعاد جدیدتری را به خود اختصاص داده که در گذشته مطرح نبوده است. یکی از مهمترین این نیازها، نیاز به امنیت و آرامش است. این نیاز که در گذشته عامل مهمی در شکل‌گیری جوامع و گروههای مختلف اجتماعی بوده، امروزه نیز زمینه شکل‌گیری سازمانها و نهادهایی را در درون هر جامعه فراهم ساخته و توانسته است مانند گذشته بعنوان یکی از مهمترین و حیاتی‌ترین نیاز بشر امروز مطرح گردد، تا جائیکه تحقق آن در هر جامعه‌ای نوید پویایی، رشد و توسعه برای آن جامعه بوده و ثبات و پایداری ساختارهای اجتماعی را در آن جامعه موجب می‌گردد. از این رو هر جامعه‌ای با ایجاد سازمانها و تشکیلات مختلف سعی در تحقق این نیاز اساسی می‌نماید که از جمله مهمترین آنها می‌توان به سازمان انتظامی جوامع یعنی «پلیس» اشاره داشت. امور پلیسی در جوامع گوناگون به اشکال مختلف اداره می‌شود و سازمانهای پلیسی در جهان سعی می‌کنند خدمات خود را بطور مؤثر و کارآمد به عموم افراد جامعه ارائه دهند تا «رضایت شهروندان» را جلب نموده، به گونه‌ای مؤثر به پیشگیری از وقوع جرم پردازند. بعلاوه اینکه رویکرد سنتی اداره امور پلیسی جوابگوی بسیاری از مشکلات و معضلات امنیتی جامعه نیست، پژوهشگران و دست‌اندرکاران امر در پی یافتن روشها و رویکردهای جدیدی هستند، در این رویکردها گرایش به سمت جامعه است. تا از طریق مشارکت اعضای جامعه



در برنامه‌ریزی و بخصوص نظارت توأم با مداخله، توانایی‌ها و استعدادهای بالقوه اعضای جامعه و نهادهای اجتماعی در حل مشکلات و معضلات پلیسی بکار گرفته شود. این سازمان که در کشور ما به عنوان نیروی انتظامی خوانده می‌شود، حفظ آسایش و امنیت عمومی را محور و اساس فعالیت‌های خود قرار داده و بر آن است تا با انجام فعالیت‌های متنوع در حوزه مسئولیت‌های خود امنیت فردی و عمومی را در جامعه برقرار و به تقویت حس امنیت در میان اقشار مختلف پرداخته و زمینه رشد و پویایی را در کشور فراهم آورد. برای رسیدن به این منزلت و جایگاه اجتماعی، پلیس ناگزیر به گرایش به رویکرد کارآمدی پلیس با مشارکت مردم و بهره‌گیری از مدل پلیس «جامعه محور» می‌باشد، زیرا در این مدل تأکید بیشتری بر عنصر «خدمات رسانی»^۱ نسبت به قوه قهریه در نقش پلیس شده است. و تأمین امنیت عمومی و حفظ آن از سوی پلیس مهمترین خدمت این سازمان به مردم محسوب می‌گردد.

از این رو پلیس باید با پرداختن به نقش اجتماعی خود، رضایت و اعتماد خانواده‌ها را جلب نموده و ارزشها و هنجارهای حکومت را از طریق ایجاد تعاملی دو سویه در بطن زندگی آنان استقرار بخشد و خانواده‌ها را به سوی اهداف خود که تحکیم امنیت عمومی و نظم اجتماعی است، سوق دهد.

هدف اصلی تحقیق

رشد جامعه و خود شکوفایی آن متکی بر سرمایه‌های انسانی، مادی و اجتماعی خانواده‌ها بوده و این سرمایه‌ها نیازمند امنیت، احساس امنیت و ایمنی است. این نیاز تا بدانجا ارزشمند و اساسی شمرده می‌شود که برخی بر این باورند که احساس امنیت بر وجود آن مقدم است. بی‌تردید آنگاه که روح و جسم اعضای خانواده در آرامش و آسودگی خاطر باشد، تمامی قوای ذهنی و جسمی آنها معطوف به خودشکوفایی مادی و معنوی می‌گردد. بنابراین به میزانی که امنیت در حوزه فردی و اجتماعی قوام یافته و استقرار می‌یابد به همان

۱- مهمترین دکترین امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری، «اصل خدمت به مردم» است، که عبادت و مایه شرافت محسوب می‌گردد و طرح راهبردی فرماندهی معظم کل قوا در نامیدن سال ۱۳۸۲ بنام سال نهضت خدمت رسانی به مردم تأکید بر این امر است.



میزان شادابی، سرزندگی و پویایی در خانواده‌ها و اجتماع آنان تبلور یافته و احساس خوشایند امنیت جلوه‌گر می‌شود. بدین لحاظ است که وجود احساس امنیت مبتنی است بر امنیت تولید شده و استقرار یافته و ارتقاء و افزایش احساس امنیت نیز موقوف است به ارتقاء و پایداری امنیت، بنابراین احساس امنیت در نهاد خانواده در بستر امنیت مشهود و عینی شکل گرفته و حاصل کارآمدی سازمان انتظامی جامعه «پلیس» در ایفای نقش اجتماعی خویش تلقی می‌گردد.

پژوهش حاضر با هدف اصلی «تبیین رابطه بین نقش اجتماعی پلیس و احساس امنیت خانواده‌ها» صورت گرفته است.

سؤالات تحقیق

سؤال اصلی

چه رابطه‌ای بین نقش اجتماعی پلیس و احساس امنیت خانواده‌ها وجود دارد؟

سؤالات فرعی

- ۱) آیا بین اعتماد خانواده‌ها به توانمندی پلیس و احساس امنیت آنان رابطه معناداری وجود دارد؟
- ۲) آیا بین نگرش خانواده‌ها به سرعت دسترسی به پلیس و احساس امنیت آنان رابطه معناداری وجود دارد؟
- ۳) آیا بین رضایت‌مندی خانواده‌ها از عملکرد پلیس و احساس امنیت آنان رابطه معناداری وجود دارد؟
- ۴) آیا بین نگرش خانواده‌ها به پاسخگویی پلیس در قبال وظایف خویش و احساس امنیت آنان رابطه معناداری وجود دارد؟
- ۵) آیا بین نگرش خانواده‌ها به نقش آگاه‌سازی پلیس و احساس امنیت آنان رابطه معناداری وجود دارد؟



۶) آیا بین نگرش مادران و پدران در خانواده نسبت به نقش اجتماعی پلیس تفاوت معناداری وجود دارد؟

۷) آیا بین میزان احساس امنیت مادران و پدران در خانواده تفاوت معناداری وجود دارد؟

تعاریف و مبانی نظری تحقیق

۱- پلیس و نقش اجتماعی

۱-۱- منشاء واژه نقش و معانی آن

به استناد فرهنگ ریشه شناسی بلوخ^۱ و وارتبورگ^۲ نقش از کلمه لاتین قرون وسطایی روتولوس^۳ اخذ شده است. روتولوس از سویی به معنای مکتوبی که لوله شده و از دیگر سو به معنای «آنچه یک بازیگر باید در صحنه تئاتر بیان کند». از آغاز قرن یازدهم این واژه در معنای مجازی «عملکرد اجتماعی و حرفه» بکار رفت (روش بلاو، ۱۳۷۲، ص ۱۲۹).

۱-۲- تعریف نقش اجتماعی

گرچه مفهوم نقش اجتماعی دامنه گسترده‌ای یافته است اما برای اینکه بتوانیم تعاریف اصلی را عرضه بداریم در این پژوهش از فرضیه‌هایی که نقش را در سطح گروه مورد توجه قرار داده‌اند و دیدگاهی جامعه شناختی برگزیده‌اند، استفاده شده است.

نقش اجتماعی به زبان ساده، تجلی گاه شخصیت و روزنه‌ای در برونی‌سازی محتوای آنند. از دیدی دیگر نقش‌های اجتماعی، رفتارهای مورد انتظار جامعه‌اند که پیرامون یک وضع اجتماعی‌جای دارند (ساروخانی، ۱۳۷۶، ص ۷۸۴).

ال. جی. کار^۴، کل جامعه‌شناسی را براساس مفهوم وضعیت بشری بنا می‌کند. به عقیده او یک نقش اجتماعی عبارت است از «الگویی خاص از نگرشها و رفتارهایی که کسی

1. Bloch, o
2. Wartburg
3. Rotulus
4. L. G. carr



برای وضعیتی خاص بر دوش دارد.» و جی. اچ. مید^۱ که برداشتهای او به رفتار گرایی اجتماعی موسوم شده، معتقد است «نقش اجتماعی، نمایشگر نگرشی است که فرد در رابطه با شخص دیگر می‌پذیرد و پاسخی است به نگرشهای دیگران» به عقیده ترنر^۲، نقش اجتماعی عبارت است از «مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری که به عنوان تشکیل دهنده واحدی دلالت کننده و مختص کسی که در جامعه دارای مقام ویژه‌ای است در نظر گرفته می‌شود» و اولمستد^۳ معتقد است. نقش اجتماعی را باید مفهومی جامعه شناختی بدانیم چرا که ضوابط رفتار را که نتیجه عملیات گروه است و نه شخصیت، مورد توجه قرار می‌دهد. (روش بلاو، ۱۳۷۲، ص ۶۷) برای ختم مقال به تعریفی اشاره می‌کنیم که دیدگاههای مختلفی را که بر شمردیم در بطن خویش دارد. نقش اجتماعی عبارت است از «الگویی متشکل از توقعات مربوط به وظایف، راهبردها، نگرشها، ارزشها و روابط متقابلی که باید از سوی اشخاصی که موقعیتهای ویژه‌ای در اختیار دارند و عملکردهای معلومی در یک گروه بر عهده گرفته‌اند، مرعی و ملحوظ می‌شود».

۳-۱- نقش‌ها و کارکردهای پلیس

از منظر مفهوم اقتدار، پلیس در درون جامعه، دستگاهی است که موجبات همکاری میان دولت و حوزه عمومی را فراهم می‌کند. بنابراین پلیس نقشی مضاعف دارد، از یک سو نیروی دولتی اجبارآمیز است که قدرت مشروع اجبار فیزیکی را به صورت قانونی در اختیار دارد و از سوی دیگر یک نیروی مدنی است که هیچ فاصله‌ای میان او و مردم از این حیث وجود ندارد.

ما تصاویر و جلوه‌های قدرت و مدنیت پلیس را هر روزه در خیابانهای شهر، در اماکن عمومی، رسانه‌ها و ... مشاهده می‌کنیم (شاگری، ۱۳۸۱، ص ۳۰).

1. Geory. H. Mead
2. Tener
3. Olmsted



جلوه نخست یعنی اقتدار دولتی پلیس، در تأمین نظم، استقرار و حفظ امنیت متجلی می‌شود. همچنانکه دولت نماد قدرت، قانون و نظم است، پلیس هم تجسم ویژگی‌های نظام سیاسی می‌باشد ساختار یک نظام سیاسی در عمل پلیسی نمود می‌یابد.

بعد دوم، یعنی هویت مدنی و نقش اجتماعی پلیس عمدتاً در سطح عوامل پلیسی در حیطه عمل و رفتار پلیس ظاهر می‌شود. بدین معنا که پلیس با حفظ هویت سازمانی خود و با توجه به نوع فعالیت، وارد حوزه عمومی می‌شود و با شهروندان در فعالیت مدنی و اجتماعی مشارکت می‌جوید. پاسخگویی به دریافت‌کنندگان خدمات پلیسی، تعامل ارتباطی با مردم و شهروندان و آموزش آنان از وجوه و کارکردهای مدنی و اجتماعی پلیس می‌باشد. منشأ و پیدایش پاسخگویی، به تعامل حوزه عمومی و حوزه قدرت یعنی رابطه دولت و جامعه مدنی باز می‌گردد. در واقع نهادهای مدنی و شهروندان که طی فرایندهای قانونی، قدرت و حق حاکمیت خود را به حکومت واگذار می‌کنند، در مقابل خواستار خدمات و عملکرد دولت هستند. از این منظر دولت باید در برابر شهروندان پاسخگو باشد. در این رویکرد مسئولیت و قدرت پلیس که به طور غیرمستقیم از ناحیه شهروندان تفویض شده، مستلزم و موجب پاسخگویی پلیس به حوزه عمومی یعنی مصرف‌کنندگان خدمات پلیسی می‌باشد (نومیل بریل، ۱۹۹۰، ص ۲۶۴). در این معنا پلیس پاسخگو همواره با تحولات جامعه و سازوکارهای جدید مدنی، خود را هم‌سو می‌سازد و در چارچوبهای نقش سنتی پلیس باقی نمی‌ماند.

۴-۱- رویکرد جامعه محوری پلیس

پلیس به عنوان یک نهاد دولتی کنترل اجتماعی و به عنوان تشکیلات عینی و انحصاری منشعب از قدرت عمومی جامعه در مرکز اصلی نزاعها و درگیرها و در بستر اختلافات و برداشتهای متفاوت گروهها از «عملکرد صحیح» قرار گرفته است. در هر حال، پلیس ملزم به تبعیت از قانون است روابط و تداخل عملکرد پلیس با تشکیلات و نهادهای کنترل اجتماعی همانند گروههای اجتماعی بسیار مهم است. پلیس برای موفقیت در کار باید با نهادهای عمومی و خصوصی همکاری کند، در عین حال که وجود اختلاف یا احتمال مطرح شدن آن همواره مطرح است.



ایده پلیس جامعه محور برای امن ساختن جامعه یک رهیافت جدید است. این موضوع خود یک برنامه یا مجموعه‌ای از برنامه‌ها نیست بلکه یک اعتقاد فلسفی است که می‌گوید پلیس و جامعه با همکاری هم می‌توانند کاری کنند که هیچ یک به تنهایی قادر به انجام آن نیستند و نیرویی که پلیس جامعه محور ایجاد می‌کند می‌تواند قدرتمند باشد (میلرویس، ۱۹۹۸).

پلیس جامعه محور یک شیوه و رویکرد نظامند پلیسی است شامل مجموعه‌ای از انواع برنامه‌های مورد نیاز جامعه و راه کارهای مدیریت پلیسی که ارتباط پلیس و جامعه را بعهده دارد. اهداف آن کاهش ترس شهروندان، افزایش سطح رضایت‌مندی نسبت به پلیس و تلاش در جهت حل مشکلات جامعه، کنترل و نظارت جامعه بر پلیس و نیز کاهش جرم به روشهای مختلف می‌باشد. این روش برای خانواده‌ها، اهمیت خاصی قائل است و هدفش این است که به پیشگیری از وقوع جرم کمک کند و ایمنی جامعه را بهبود بخشد. مبنای کار در مدل پلیس جامعه محور بر تئوری «کیفیت بخشی به زندگی در جامعه» استوار بوده و معتقد است هرگاه کیفیت زندگی در جامعه بهبود یابد سطوح جرم کاهش پیدا می‌کند و حس ایمنی افزایش می‌یابد (جووانستن و لیس، ۱۹۹۶).

۲- احساس امنیت و مؤلفه‌های آن

امنیت در مفهوم وسیع و جامع خود، بیشتر به ویژگیها و خصوصیات روانشناختی مردم یک جامعه فرضی بر می‌گردد. امنیت باید بتواند به شهروندان و اعضای جامعه، امنیت خاطری در حد نیازهای روانشناختی آنها اعطا کند. هیچ‌کس نمی‌تواند در محیط ترس آفرین، نگران و مضطرب کننده، متشنج و آلوده به تشویش، به فعالیتهای اجتماعی-اقتصادی خود ادامه دهد و یا به آسودگی به کار و کوشش و وظایف روزمره خویش پردازد.

بطور طبیعی در فقدان چنین امنیتی، افراد به انواع واکنشهای مخرب یا طغیان دست می‌زنند و یا منفعل گشته و احتمالاً به انحرافهای اجتماعی پناه می‌برند و یا از همکاری فعال در زمینه مشارکت اجتماعی سرباز می‌زنند (فرخجسته، ۱۳۸۰).



۲-۱- تعریف امنیت

امنیت از لحاظ لغوی مأخوذ از ریشه امن به زبان عربی است که در فارسی از آن مصدر جعلی ساخته شده است. فرهنگ لغت لاروس امنیت را چنین تعریف می‌کند: «اعتماد، آرامش روحی و روانی است، تفکری که براساس آن خطر، ترس، وحشت و خسران بی‌معنا می‌شود، فقدان مخاطرات.

فرهنگ لغت معین امنیت را چنین معنا می‌کند؛ «ایمن شدن، در امان بودن، نداشتن بیم و بی‌بیمی» فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی امنیت را چنین تعریف می‌کند: «بی‌خطر کردن، تأمین کردن، امن کردن، در امان نگهداشتن (نوروزی، ۱۳۷۴).

امنیت مفهومی چندوجهی و همزاد با مفاهیمی چون قدرت، تهدید و آسیب است. تعاریف موجود در فرهنگها، امنیت را احساس آزادی از ترس یا احساس ایمنی که ناظر بر امنیت مادی و روانی اند، تعریف می‌کنند.

امنیت با تعریف مفهوم مخالف یعنی ناامنی و بیان شاخص‌های وضعیت فقدان امنیت نیز قابل تقریب به ذهن است (حق پناه، ۱۳۷۷، ص ۱۴۴). بطور کلی می‌توان گفت که تعریف جامع و روشنی از امنیت وجود ندارد. بنابراین هرگونه تعریفی در مورد آن نسبی و تابع شرایط است. تعریف امنیت در شرایط گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و ... دستخوش تحول می‌گردد. بطور خلاصه می‌توان بیان کرد که امنیت مفهومی ذهنی و ادراکی است و تعبیر و تفسیری است که افراد در گیر با آن ارائه می‌کنند.

رابرت ماندل^۱ می‌گوید: «ارائه تعریفی کامل از امنیت مستلزم بررسی و تحقیق در خصوص مفاهیم کلیدی چون قدرت، تهدید و اتحادهاست (رابرت ماندل، ۱۳۷۷، ص ۲۲). غلامرضا خوش فر در مورد امنیت چنین می‌گوید: «امنیت در اصل پدیده‌ای ادراکی و احساسی است یعنی برای تحقق آن باید این اطمینان در ذهن توده مردم، دولتمردان و زمامداران و تصمیم گیرندگان بوجود آید که ایمنی لازم برای ادامه زندگی بدون دغدغه وجود دارد (خوش فر، ۱۳۷۸، ص ۹۶). با توجه به تعاریف متعددی که در مورد امنیت وجود دارد می‌توان دریافت که امنیت مفهومی چندوجهی است، به همین دلیل درباره آن

1. Robert Mondel



تفاهم عام و قطعی وجود ندارد. تعاریف مذکور عمدتاً براساس فارغ بودن از ترس یا احساس ایمنی که با امنیت مادی و روانی متناظر است تأکید ورزیده‌اند.

۲-۲- امنیت نیاز اولیه خانواده‌ها

انسان ایمن، سرشار از انگیزه است و برای هرگونه پیشرفت، مستعد و مهیا می‌باشد. آبراهام مزلو^۱ که یکی از رهبران روانشناسی انسان گراست، انگیزه‌های آدمی را به شیوه‌ای جالب طبقه بندی نموده است. مزلو سلسله مراتبی از نیازها را ارائه کرد که از نیازهای زیستی آغاز می‌شود و در سطوح بالاتر به انگیزه‌های روانی پیچیده‌تری می‌رسد که تنها پس از برآوردن نیازهای اولیه نقش مهمی برعهده می‌گیرند. در هرم سلسله مراتب نیازهای مزلو نیازهای ایمنی، احساس امنیت کردن و دور از خطر بودن بعد از نیازهای فیزیولوژیک قرار گرفته است، به اعتقاد وی این نیاز بیانگر آن است که فرد به آرامش نیاز دارد، شامل ثبات استقلال، محافظ داشتن، رهایی از ترس، رهایی از اضطراب، رهایی از درهم بودن نظم و قانون، احتیاج به محدودیت داشتن و نیاز به محافظ قوی، براساس نظریه مزلو نیاز به امنیت یک نیاز روانی است که در صورت عدم ارضاء، روان آدمی آزرده می‌شود (کجباف، ۱۳۸۱، ص ۲۵).

مزلو، انگیزش اصلی و اساسی شخص ایمن و سالم را خودشکوفایی می‌داند. در نظر وی انسان ایمن به حد کافی نیازهای اساسی خود را تأمین کرده است. به گونه‌ای که انگیزش اصلی او گرایش به خود شکوفایی به منزله شکوفایی مداوم توانایی‌ها، استعداد و ظرفیت‌هاست و در همه اوقات، در طول زندگی ادامه می‌یابد.

۲-۳- احساس امنیت

امنیت از حیث نگرش فرد به خود و جامعه به دو قسمت امنیت ذهنی و امنیت عینی قابل تقسیم بندی است. امنیت ذهنی عبارت است از اینکه اشخاص در ارائه افکار و اندیشه‌های خود احساس امنیت نمایند. بعنوان مثال خودسانسوری، ناشی از یک نوع ناامنی ذهنی است. امنیت آبرویی را نیز می‌توان یک نوع دیگر امنیت ذهنی نامید. منظور از امنیت عینی این

1. A. Maslow



است که افراد در جان و مال خود از امنیت برخوردار باشند. بنابراین احتمال هر نوع آسیب دیدگی جانی و مالی یک نوع عدم امنیت است. براساس تمایز بین مرز احساس و واقعیت می‌توان احساس امنیت را از امنیت واقعی تفکیک کرد. گاهی ممکن است ناامنی‌هایی در جامعه وجود داشته باشد ولی مردم احساس امنیت کنند، زمانی نیز موارد و مصادیق ایجاد ناامنی کم است اما مردم احساس ناامنی می‌کنند (عیوضی، ۱۳۷۹). احساس امنیت موضوعی است روانشناختی، وقتی انسان با شنیدن خبری در زمینه‌های گوناگون و یا مشاهده رفتار یا اتفاقی که مستقیم یا غیرمستقیم با تعلقات و منافع مادی و معنوی وی در تضاد بوده و به نوعی خاطرجمعی، اطمینان، ایمنی، آسودگی و آرامش قلبی او را تحت تأثیر قرار داده و ذهن او را درگیر کرده، روبرو می‌شود، در چنین شرایطی احساس ناامنی به وی دست خواهد داد. در شرایط ناامنی و درگیر شدن ذهن انسان، هیچ امری برای او جالب توجه و لذت بخش نیست، بنابراین احساس امنیت را می‌توان اینگونه تعریف نمود:

«احساس آزادی نسبی از خطر، این احساس وضع خوشایندی را در مردمان ایجاد می‌کند که فرد در آن دارای آرامش روحی و جسمی می‌شود.» (رجیبی پور، ۱۳۸۲).

ایمنی، از عواطف و احساسات زیربنایی و حیاتی برای حصول بهداشت روانی است. بنابراین احساس امنیت که معطوف به جنبه ذهنی و روانی انسانهاست، در یک طبقه بندی کلی به معنای فقدان ترس و نگرانی در ابعاد مالی، جانی و روانی خانواده‌هاست.

۳- خانواده

خانواده در مفهوم کلی خود پدیده‌ای است جهانی که در همه جا وجود دارد و حالتی همه شمول و فراگیر دارد زیرا به آن دسته از نیازهای آدمی پاسخ می‌گوید که برای تمامی نوع بشر مشترک هستند و لذا در گستره جغرافیا هر کجا که انسان زیست می‌کند و در عمق تاریخ تا آنجا که نشانی از حیات انسان مشاهده می‌شود، خانواده وجود داشته است (سیف، ۱۳۶۸).

خانواده را می‌توان اولین و ایده‌آل‌ترین مثال برای گروههای نخستین دانست، گروههایی که وظیفه آنها نگهداری و حمایت از موجود انسانی است و خالق زیباترین احساسات شناخته شده بشری هستند (استوارات، ۱۹۷۱).



اگرچه ممکن است که ساخت و بسیاری از کارکردهای خانواده در گذر زمان و از جامعه‌ای به جامعه دیگر دچار تحول و دگرگونی شده باشد. اما نکته‌ای که هنوز واقعیت دارد آن است که جوامع از خانواده‌ها تشکیل می‌شوند و تقریباً تمامی افراد جامعه، زندگی را از چارچوب خانواده آغاز می‌کنند.

۴- مبانی نظری پلیس

ساخت جوامع جدید از منظر و رویکرد علم سیاست تنها در درون شبکه پیچیده‌ای از مفاهیم امکان‌پذیر است. شاید هیچ مقوله‌ای به اندازه «پلیس» با مفاهیم مهم این شبکه مثل قدرت، امنیت، نظم، شهروندی، قانون و ... پیوند و تعامل نداشته باشد. نگاه به این شبکه مفاهیم نشان می‌دهد که پلیس در واقع حلقه واسط میان دو طیف مفاهیم است، یعنی واسطه میان دولت و جامعه (شاگری، ۱۳۸۱، ص ۱۵).

آنچه مسلم است اینکه پلیس یک نیروی کاملاً دولتی از حیث خاستگاه و جایگاه سازمانی است و ما جلوه‌های دولت مدرن را که نمادهایی مثل استقلال، مرجعیت و اقتدار در برابر نیروهای جامعه می‌باشد، در چهره پلیس مشاهده می‌کنیم. نظم و انضباط، نظام سلسله مراتب اداری و قانونمندی از خصایص اصلی پلیس است این خصایص به نوعی ویژگی‌های ذاتی دولت جدید است و به همین دلیل درک خاستگاه و اهمیت پلیس منوط به درک دولت در جوامع نوین است.

پلیس از حیث مبانی نظری به مسئله «اطاعت» شهروندان از دولت باز می‌گردد. یکی از وجوه مبانی دولتهای جدید در جوامع بشری آن است که وقتی مردم به رضایت خود و براساس فرهنگ و نظام ارزشی خود دولتی مردمی را ایجاد کردند، به معنای آن است که به آن مشروعیت داده‌اند و در نتیجه باید از آن اطاعت هم بکنند. توماس هابز^۱ در این خصوص معتقد است که در این حالت انسانها از وضع طبیعی خارج و به وضع مدنی وارد می‌شوند. از دیدگاه هابز نفس ورود به وضع مدنی و تأسیس حکومت توسط مردم، لازمه

1. Thomas Hobbes

اطاعت و در نتیجه پذیرش سازمان پلیس است و این وفاداری و اطاعت از عقل مصلحت اندیش آدمی حاصل می‌شود (همان، ص ۶۹).

از سوی دیگر هر دولتی سازمان پلیس خود را، افزون بر چهره امنیت و نظم بخشی آن، نماد اقتدار و حیثیت در عرصه افکار عمومی و ناظران بیرونی می‌بیند. حضور مأموران پلیس در آئین‌های نمایشی، تشریفات و مراسم ملی، معرف اقتدار ملی یک کشور در سطح روابط بین‌المللی است. پلیس نماد و جلوه اقتدار ملی در سطح داخلی است. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: «نیروی انتظامی مظهر اقتدار ملی است» بنابراین مشاهده می‌کنیم که تعریف و شناخت پلیس آسان نیست زیرا تابعی از پیچیدگی دولت و جامعه و مناسبات خاص میان این دو حوزه است.

پژوهشگران دولت و جامعه هر کدام از منظری خاص، پلیس را تعریف کرده‌اند که همه تعریفها، ابعاد پلیس را در جوامع امروزی نشان می‌دهند. ماکس وبر جامعه‌شناس مشهور آلمانی، از آنجا که خاستگاه دولت مدرن و سازمانهای سیاسی را از منظر جامعه‌شناسی مطالعه کرده است، مشخصاً بر مفهوم «قدرت» در معنای مشروعیت تمرکز کرده است. در فضای گفتمانی وبر، پلیس جلوه قدرت مشروع و عقلانیت ابزاری دیوانسالارانه دولت می‌باشد. تعریف مشهور وبر از دولت به سان دستگاهی که حق انحصاری استفاده از کاربرد زور مشروع را دارد پیش و بیش از هر جایی در سازمان پلیس و حوزه اجرایی دولت محقق و جلوه‌گر می‌شود. با این تعریف، پلیس با استفاده از حق مشروع کاربرد وسایل اجبار، به استقرار نظم و امنیت در جامعه نایل می‌شود (نیک‌گهر، ۱۳۷۰).

جرم‌شناسان تعریف دیگری از پلیس ارائه می‌دهند که بازرسی، کشف و نظارت در عرصه جامعه و زندگی شهری را پوشش می‌دهد. دستگیری متخلفان و قانون شکنان، ارائه خدمات اجتماعی، امنیتی مثل برقراری نظم در رفت و آمد شهری، حضور به هنگام درمواقع بروز خطرات در سطح شهرو برخورد قاطع با اراذل و اوباش، اجزای تعریف جرم شناسان از پلیس می‌باشد (تیم نیویرن، ۱۹۹۸، ص ۳). و از رویکرد دولت‌گرایان پلیس جلوه اقتدار یک نظام سیاسی و مرجعیت و استقلال آن در عرصه جامعه می‌باشد.



چارچوب نظری تحقیق

با توجه به متغیرها، فرضیات و سؤالات این تحقیق چارچوب نظری مبسوط و مقبول در بستر مکتب انتقادی بشرح زیر جمع بندی می‌شود:

در هر جامعه‌ای به تناسب شرایط و مقتضیات آن می‌توان به تلقی بومی از امنیت دست یافت که مرجع تجزیه و تحلیل خواهد بود. بعبارت دیگر شناوری تفاسیر بعمل آمده از امنیت نمی‌تواند مانع از پذیرش چارچوب مبنایی برای امنیت شود، امنیتی که بر اساس آن رفتار کلیه بازیگران تعریف و ارزیابی شود. از این نظر امنیت ماهیتی ایجابی می‌یابد که از آن بعنوان گفتمان اثباتی^۱ یاد می‌شود.

این گفتمان که در مقابل گفتمان سلبی از امنیت مطرح می‌شود ریشه در سالهای پایانی قرن بیستم دارد و امنیت را براساس شاخص «رضایت مندی» تعریف می‌کند. بدین صورت که می‌توان امنیت را وضعیتی دانست که در آن نسبت معقولی بین خواسته‌های شهروندان از یک سو و کارآمدی نظام سیاسی از سوی دیگر وجود دارد، در این تلقی از امنیت شکاف بین خواسته‌ها و داشته‌ها بسیار مهم و معنادار است و مشخص می‌سازد که یک جامعه در وضعیت امن قرار دارد یا در وضعیت ناامن (افتخاری، ۱۳۸۲).

جوامع انسانی در دوران جدید که در ایران زمانی بالغ بر دو قرن را در بر می‌گیرد، وارد مراحل متفاوتی از زیست جمعی شده‌اند که پیچیدگی، شتاب، تکثر و افزایش شمار جمعیت از نشانه‌های بارز آن است و بی‌گمان وجود این مؤلفه‌ها و عناصر در هر جامعه یک پیامد طبیعی و ناگزیر دارد و آن افزایش منازعات، کشمکشها و چالش‌های اجتماعی است که به صورت وسیع در حوزه‌های مختلف سربر می‌آورند. این وضعیت بویژه در کشورهای در حال گذار شدت بیشتری به خود می‌گیرد و دولت‌ها را در وضعیت دوگانه‌ای قرار می‌دهد. آنها از یک سوی باید دل‌نگران توسعه و رشد خود همپای دیگر جوامع باشند و از سوی دیگر به حفظ وثبات جامعه بیندیشند که مبادا در قبال رشد و توسعه دچار از هم پاشیدگی شوند. نقطه تلاقی این وضعیت به صورت روشن و آشکار در صحنه حیات

1. Positive Discourse



اجتماعی و در ابعاد مختلف آن است، یعنی عرصه فعالیت سازمان متولی نظم و امنیت عمومی که همان «پلیس» است.

«پلیس» در حکم نماد اقتدار دولت از یک سو باید به اقتضائات و الزامات توسعه اهتمام داشته و آنها را بپذیرد و از سوی دیگر و در کنار افزایش منازعات چندوجهی حاصل از توسعه و گذار، امنیت و ثبات اجتماعی را حفظ و نگهداری کند.

علاوه بر دو انگاره فوق یعنی اولاً وضعیت خاص گذار کشور و ثانیاً جایگاه پلیس در این شرایط، منابع و ظرفیت‌های جدیدی در کشور بر محور تعامل پلیس - خانواده قابل تعریف و بازخوانی است. در ایران نیز، مانند سایر جوامع بشری به اقتضای نظام ارزشی و فرهنگی، ساختار تاریخی سیاسی و اجتماعی، خانواده‌ها در مقام اساس جامعه، دارای قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها استعدادها و بسترهای مناسبی جهت تقویت و تعمیق همکاری با دستگاه انتظامی کشور هستند.

بی تردید استفاده از ظرفیت امنیتی خانواده‌ها، هزینه‌های امنیتی را کاهش داده و وقتی که خانواده‌ها در این کار سهیم شوند احساس امنیت بیشتری نموده، خود را درقبال امنیت جامعه مسئول می‌دانند و بتدریج فرهنگ امنیت بانی^۱ در میان جامعه نهادینه و مستقر می‌شود. ایجاد رضایتمندی و اعتماد سازی عمومی و از میان بردن هر گونه ترس و هراس در میان خانواده‌ها باید از جمله راهبردهای سازمان پلیس باشد و در این میان توجه به نقش نهادهای اجتماعی، ساختار امنیت کشور و جنبه‌های نرم‌افزاری امنیت اجتماعی مثل مشروعیت، مشارکت عمومی، عمومیت‌یابی تفکر نظم و امنیت و فانون‌گرایی بسیار حائز اهمیت است.

اصولی که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته‌اند عبارتند:

۱- اصل جامعه‌گرایی: تولید و حراست از امنیت نه تنها به کارکرد پلیس بلکه به مؤلفه‌های بسیار دیگری نظیر نهادهای اجتماعی بستگی دارد، زیرا امنیت یک کالای



عمومی و عام‌المنفعه است که به میزان، احساس مسئولیت و مشارکت جامعه قابل حصول است. و از طریق خانواده‌ها و برای آنان قابل تأمین و پایداری سازی است.

۲- اصل تقدم امنیت ذهنی بر امنیت عینی: امنیت یک پدیده احساسی و ادراکی است و احساس امنیت که یک وضعیت نرم افزاری و ذهنی است مهمترین بخش از فرآیند امنیت زایی و پایداری سازی آن در جامعه می‌باشد. و وجود احساس امنیت در جامعه در روند افزایش امنیت و اعتماد سازی مؤثر خواهد بود.

۳- اصل مشارکت نهاد خانواده: خانواده مبنای شکل‌گیری اولیه شخصیت هر انسانی و جامعه پذیری او می‌باشد. بنابراین اگر خانواده مأمّن آرامش و ثبات باشد، می‌توان انتظار داشت که جامعه متشکل از چنین خانواده‌هایی نیز کانون امنیت و نظم اجتماعی باشد.

۴- اصل مدرن سازی سازوکارهای سنتی بتدریج کفایت و کارآمدی خود را از دست می‌دهند و ضرورت نوین سازی سیستم‌ها، روش‌ها و ابزارها و بهره مندی از فناوری مدرن بعنوان یکی از بایسته‌های موفقیت پلیس در محیط عملیاتی جدید خودنمایی می‌کند.

۵- اصل رویکرد علمی - تخصصی: فعالیت پلیس در محیط اجتماعی و پیگیری مأموریت‌هایی بسیار متنوع و بسیار گسترده در قالب یک پلیس عمومی و متکی به سلیقه و تجربه صرف نمی‌گنجد لذا نگاه کارشناسانه و محققانه در نظر و رفتار حرفه‌ای - تخصصی در عمل لازمه آن است.

روش شناسی

انتخاب روش انجام تحقیق بستگی به اهداف، ماهیت موضوع تحقیق و امکانات اجرایی آن دارد. در تحقیق حاضر با توجه به اهداف آن که توصیف ذهنی خانواده‌ها از نقش اجتماعی پلیس و بررسی رابطه آن با احساس امنیت آنان بوده است، تلاش مضاعفی بعمل آمده تا از اصول علمی برای حل مسأله استفاده شود و از این طریق گامی کوچک در جهت غنای پژوهش‌های اجتماعی ناجا برداشته شود. این تحقیق با توجه به هدف آن از نوع کاربردی (مأموریت‌گرا) می‌باشد. روش انجام تحقیق در این پژوهش ترکیبی از شیوه‌های پیمایشی



(توصیفی-اکتشافی) و همبستگی است که بر مبنای واحد تحلیل یعنی خانواده انجام پذیرفته است. از پرسشنامه برای جمع آوری داده‌ها استفاده شده است و در ارتباط با محتوای آن با توجه به موضوع از دو نوع پرسش به شرح زیر بهره گیری گردیده است.

الف- نگرش: پرسشهای دلالت کننده بر این امر که خانواده‌ها چه چیز را مطلوب می‌دانند.

ب- خصیصه: پرسشهای دلالت کننده بر این امر که پاسخگویان دارای چه ویژگیهایی (جنس، سن، و...) هستند.

بنابراین پس از مطالعه موضوع، متغیرهای مورد نظر در قالب پرسشنامه اولیه تنظیم و پس از انجام مرحله پیش آزمون (pre-Test) پرسشنامه نهایی تنظیم گردید. با توجه به اهمیت و هدف پژوهش حاضر جامعه آماری شامل مجموعه خانواده‌های ساکن در شمال تهران بزرگ می‌باشد که مناطق ۱، ۲، ۳، ۶ و ۷ شهرداری تهران را دربرمی‌گیرد که برای تعیین حجم نمونه با توجه به پراکنندگی توزیع مناطق پنج گانه شمال تهران نمونه گیری بایستی متناسب با حجم جمعیت و بلوکهای ساختمانی هریک از مناطق ۱ و ۲ و ۳ و ۶ و ۷ شهرداری تهران باشد.

از این رو هر یک از مناطق فوق بصورت یک طبقه فرض شده که نمونه گیری به شکل طبقه ای، متناسب با حجم جمعیت و بلوکهای ساختمانی لحاظ گردید. پس از معین شدن حجم نمونه هر یک از مناطق با استفاده از جدول اعداد تصادفی تعداد نمونه هریک از مناطق انتخاب گردید که با مراجعه به بلوکهای ساختمانی نمونه و ارائه پرسشنامه به سرپرستان حاضر خانواده‌های نمونه (پدر یا مادر) به جمع آوری آنان پرداخته شد، بطوریکه مشاهده می‌گردد تعداد پاسخگویان (افراد نمونه) به پرسشنامه پژوهش حاضر ۲۹۱ نفر بودند.



جدول ۱. ویژگیهای جامعه آماری: فراوانی و درصد آزمودنیها به تفکیک جنسیت

مشخصه آماری / جنس	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
زن	۱۲۱	۴۱/۶	۴۱/۶	۴۱/۶
مرد	۱۷۰	۵۸/۴	۵۸/۴	۱۰۰
جمع	۲۹۱	۱۰۰	۱۰۰	

جدول ۲. فراوانی و درصد آزمودنیها به تفکیک سن

مشخصه آماری / گروه سنی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
(-۳۰) جوان	۹۰	۳۰/۹	۳۰/۹	۳/۹
(۳۱-۵۰) میانسال	۱۶۶	۵۷	۵۷	۸۸
(+۵۰) بزرگسال	۳۵	۱۲	۱۲	۱۰۰
جمع	۲۹۱	۱۰۰	۱۰۰	

جدول ۳. فراوانی و درصد آزمودنیها به تفکیک گروه شغلی

مشخصه آماری / گروه شغل	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
آزاد	۷۳	۲۵/۱	۲۵/۱	۲۵/۱
کارمند	۸۷	۲۹/۹	۲۹/۹	۵۵
فرهنگی	۴۹	۱۶/۸	۱۶/۸	۷۱/۸
نظامی	۷	۲/۴	۲/۴	۷۴/۲
بازنشسته	۱۶	۵/۸	۵/۵	۹۷/۷
خانه دار	۴۲	۱۴/۴	۱۴/۴	۹۴/۲
سایر	۱۷	۵/۸	۵/۸	۱۰۰
جمع	۲۹۱	۱۰۰	۱۰۰	



جدول ۴. فراوانی و درصد افراد پاسخ دهنده به تفکیک سطح تحصیلات آنان

درصد تراکمی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	مشخصه آماری مقطع تحصیلی
۲/۸۸	۲/۸	۲/۷	۸	ابتدایی
۱۱/۴	۸/۶	۸/۶	۲۵	سیکل
۵۳/۸	۴۲/۴	۴۲/۳	۱۲۳	متوسطه
۱۰۰	۴۶/۲	۴۶	۱۳۴	عالی
	۱۰۰	۱۰۰	۲۹۱	جمع

یافته‌های تحقیق

نتیجه آزمون فرضیه اصلی تحقیق که به صورت:

«بین نقش اجتماعی پلیس و احساس امنیت خانواده‌ها رابطه معناداری وجود دارد.»

تعریف شده، با همبستگی معناداری در سطح ۰/۰۰۱ تأیید گردیده است.

همانگونه که از ادبیات تحقیق بر می‌آید، نقش اجتماعی پلیس در بستر استراتژی «پلیس جامعه‌محور» معنا پیدا می‌کند. فصل منطقی جامعه محوری، اعتماد متقابل پلیس و مردم و مشارکت همدلانه و رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی است. در دیدگاه جامعه محوری امنیت امری گسیخته از سایر امور و عوامل اجتماعی نیست، بلکه در گرو سازگاری با فعالیت نهادهای اجتماعی است. نقش اجتماعی پلیس فرصت لازم را برای ارتباط پلیس با جوامع مخدوم خود و برای حل مشکلات آنان فراهم می‌سازد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اصلی این تحقیق نشان می‌دهد که به هر میزان که پلیس در ایفای وظایف و نقش اجتماعی خود موفق‌تر و جدی‌تر عمل نمایند، میزان احساس امنیت خانواده‌ها نیز افزایش خواهد یافت. بنابراین تقویت مؤلفه‌های نقش اجتماعی در کارکردهای پلیس و ارائه آموزش‌های لازم به افراد پلیس در این زمینه راه‌گشا خواهد بود. همچنین این تحقیق نشان می‌دهد، نظریات متباین و مختلفی نسبت به پلیس در میان خانواده‌ها وجود دارد و آنچه آنان از پلیس می‌خواهند بستگی به شرایط و موقعیت آنان دارد.

با توجه به اینکه تحقیق حاضر به عنوان گام کوچکی در شناسایی عوامل مرتبط با احساس امنیت خانواده‌ها در چارچوب عملکرد پلیس صورت گرفته است، جا دارد تا به مواردی



که در حین انجام تحقیق حاصل شده است اشاراتی هرچند گذرا صورت پذیرد. در مجموع با نگرش به مبانی نظری پژوهش که با مراجعه به منابع مختلف جمع آوری شده این نتیجه حاصل گردیده که پلیس به عنوان یکی از نهادهای رسمی کشور با توجه به دانش و تجارب چندین ساله خود می تواند در چارچوب راهبرد «پلیس جامعه محور» مبتنی بر تعامل منطقی و دو سویه بویژه با خانوادهها ضریب احساس امنیت را در جامعه افزایش داده و خانوادهها را از ضرورت جامعه امن و چگونگی دستیابی به آن آگاه، هدایت و به نتایج زیر نایل آید:

- ۱- نظم و امنیت عمومی را افزایش دهد.
- ۲- اعتماد بین پلیس و خانوادهها رشد یافته و احترام متقابل شکل فزاینده ای خواهد یافت.
- ۳- بر اثر این تعامل پلیس به درک بیشتری از نهاد خانواده نایل آمده و نیز از توقعات و انتظارات آنان آگاهی می یابد.
- ۴- ضرورت وجود پلیس و احترام پلیس در بین خانوادهها افزایش خواهد یافت.
- ۵- احساس ناامنی را در میان خانوادهها کاهش و حس ایمنی آنان را بهبود بخشید.
- ۶- زمینه مشارکت فعال خانوادهها در حفظ نظم و امنیت فراهم خواهد شد.
- ۷- از آسیب پذیری سرمایه های انسانی جلوگیری گردد.
- ۸- خانوادهها را به تشویق فرزندان خود برای انتخاب شغل پلیسی علاقمند خواهد کرد.

نتیجه گیری

احساس امنیت پدیده ای است ذهنی و در عین حال نسبی، ذهنی به این معنا که حاصل برداشت شخص از مجموع تجربیات فردی و جمعی است که خانوادهها یا مستقیماً در آنها مشارکت داشته اند یا اینکه طی فرآیند جامعه پذیری و فرهنگ پذیری به آنان انتقال یافته است.



احساس امنیت پدیده‌ای است نسبی، به این معنا که مقیاس ترجیحات و سلسله مراتب اولولیت‌های امنیتی نه تنها برحسب گروه‌ها و قشرهای اجتماعی بلکه برحسب درونمایه شخصی افراد متفاوت است. لذا در شرایط امنیتی برابر، خانواده‌ای ممکن است احساس امنیت کند و خانواده دیگری احساس ناامنی. به عبارت دیگر یک امنیت میانگین وجود ندارد که همه خانواده‌ها بر سر آن توافق کنند. لذا احساس امنیت می‌تواند برحسب تحصیلات، پایگاه اجتماعی و شرایط اقتصادی خانواده‌ها متفاوت باشد.

پیشنهادها

الف- پیشنهاد به برنامه ریزان پلیس

۱- هرگونه برنامه ریزی و تبیین راهبردهای پلیسی را با استفاده از تحقیقات علمی و بخصوص با بهره‌مندی از دیدگاه‌های جامعه‌شناسان، جرم‌شناسان و روانشناسان خبره انجام دهند.

۲- فرایند آموزش پلیس باید تحولی اساس یافته و از تدوین برنامه‌های آموزشی با رویکرد نظامی خودداری گردد و آموزشهای مربوط با رویکرد اجتماعی و در راستای تربیت افرادی با توانمندی آسیب‌شناسی اجتماعی، رفتارشناسی و داشتن مهارت ارتباطی بالا، ارائه گردد.

۳- اصول زیر را به عنوان مبنای کار پلیس در تمامی برنامه‌ریزیها و تصمیم‌گیریها ملحوظ نظر قرار دهند:

- تلاش در جهت ایجاد مناسبات لازم بین پلیس و شهروندان، بویژه نهادهای اجتماعی.

- کسب قدرت اجرایی از متن مردم، براساس احترام آنها به قانون و تأیید برنامه‌های اجرایی پلیس.

- جلب حمایت شهروندان، از طریق ارائه خدمات صادقانه، محترمانه، بی‌طرفانه و مبتنی بر قانون.



- در بوته آزمایش قراردادادن نتیجه فعالیت‌های پلیس، از طریق احساس واقعی مردم از نبود بی‌نظمی و ناامنی، نه از راه عملیات ظاهری.

۴- هماهنگی لازم با مسئولین ذیربط در آموزش و پرورش جهت حضور فعال پلیس در جلسات انجمن اولیاء و مربیان مدارس، به منظوری آشنایی والدین با قوانین و مقررات اجتماعی و انتظارات پلیس از آنها در زمینه مشارکت فعال در حفظ نظم و امنیت عمومی.

ب- پیشنهادهای اجرایی

با عنایت به یافته‌های پژوهش و اولویت‌های احصاء شده در خصوص مؤلفه‌های نقش اجتماعی پلیس و احساس امنیت خانواده‌ها پیشنهاد می‌گردد محورهای زیر در برنامه‌های کاری مدیران اجرایی قرار گرفته و در رابطه با آن برنامه‌ریزی و نسبت به تقویت مؤلفه‌هایی که از میانگین کمتری برخوردار بودند اقدام و علاوه بر آن بطور کلی با توجه به میانگین هر مؤلفه و فاصله آن تا نقطه مطلوب نسبت به دستیابی و نزدیک شدن به وضعیت مطلوب تلاش نمایند.

۱- برای آگاه سازی شهروندان آموزش قانون‌گرایی و تبیین آثار مخرب قانون‌گریزی در بین خانواده‌ها بصورت سازمان یافته و با همکاری رسانه‌ها جمعی و آموزش و پرورش از طریق معاونت اجتماعی ناجا انجام پذیرد.

۲- ارتباط خانواده‌ها با پلیس و بخصوص با مدیران اجرایی، با برگزاری جلسات مشترک و نشستهای صمیمی در اماکن عمومی نظیر مساجد، فرهنگسراها، پارکها و ... بیشتر شود و آنان دیدگاههای خود را در زمینه توقعات و انتظاراتشان از پلیس، به بحث و تبادل نظر بگذارند تا به دیدگاه مشترکی نایل شوند و موضع یکسانی در قبال یکدیگر اتخاذ کنند و یک اشتراک فضای ذهنی و فضای مفهومی بین پلیس و مخاطبینی که می‌خواهد برای آنان امنیت فراهم کند، حاصل و زمینه تقویت اعتماد بین خانواده‌ها و پلیس فراهم شود.

۳- با توجه به اینکه بیشتر افراد پلیس با رویکرد نظامی و مدل عام پلیس، آموزش دیده و تربیت شده‌اند، باید زمینه‌های لازم برای مراوده آنان در محیط‌های خانوادگی فراهم آمده و تلاش شود که بپذیرند، حفظ ارزشها و هنجارهای اجتماعی به کمک ابزارهای



خشک و قانونی به تنهایی میسر نیست و جلب حمایت خانواده‌ها نقش مؤثری در این زمینه دارد.

۴- اقدامات لازم در جهت معرفی مراکز مشاوره و خدمات رسانی این مراکز به خانواده‌ها معمول و تلاش شود که زمینه ارتباط آنان با پلیس فراهم و موجب تقویت و تحکیم اعتماد فی مابین گردد.

۵- رسیدگی به شکایات، انتقادات و پیشنهادات مردمی، باید جدی، مستمر و عادلانه انجام پذیرد و دفاتر نظارت همگانی تلاش کنند تا زمینه ارتباط خانواده‌ها با پلیس به منظور طرح مشکلات امنیتی خود بدون هرگونه مصلحت‌گرایی فراهم گردد و پاسخگویی پلیس نمود عینی یابد.

۶- در جذب و بکارگیری افراد پلیس، به ویژگیهای فردی آنان در بعد اجتماعی و نوع تعامل آنها با جامعه، توجه جدی صورت پذیرد و هرگونه گزینش و پذیرش افراد، با رویکرد جامعه‌محوری در امور پلیس انجام شود و رویکرد مشتری مداری و کسب رضایت شهروندان وجه همت مسئولین ذیربط قرار گیرد.

۷- افراد پلیس باید محدوده وظایف خود را درک نموده و به آن احترام بگذارند و خود در رعایت قانون نمونه باشند و با عمل خویش دیگران را به اجرای قانون دعوت و آموزشهای صادره را نهادینه نمایند.

۸- اهتمام به حل مشکلات مردم، محور وظیفه افراد پلیس قرار گیرد و این مؤلفه به عنوان یکی از ملاکهای ارزشیابی در درون سازمان پلیس شناخته شود. این مؤلفه می‌تواند تحت عنوان «کارآیی در انجام وظیفه و اهتمام به حل مشکلات مردم» مطرح گردد.

۹- آشنایی خانواده‌ها با حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی از طریق رسانه‌های جمعی با توجه به نتایج حاصله از این پژوهش.

ج- پیشنهادهای ارائه شده توسط افراد پاسخ دهنده.

در حین انجام تحقیق و توزیع و تکمیل پرسشنامه‌ها، پاسخ دهندگان پیشنهاداتی به پژوهشگر ارائه نموده‌اند که اهم آنها بشرح زیر ارائه می‌گردد:

۱- پلیس باید با ارادل و اوباش بطور مستمر و با قاطعیت برخورد نماید.



- ۲- پلیس در پاسخ به فراخوانی شهروندان، با سرعت بیشتری در محل حاضر شود.
- ۴- پلیس را به تجهیزات مدرن و فن آوری روز باید مجهز نمایند.
- ۵- افراد پلیس از آگاهی و سطح تخصص لازم و متناسب با نیاز جامعه برخوردار باشند.
- ۶- بر عملکرد مأمورین پلیس نظارت دقیق و مستمر اعمال گردد.
- ۷- مأمورین پلیس از میان افراد شایسته و متناسب با مأموریت‌های مربوط انتخاب شوند.
- د- پیشنهادهای اجرایی برای دولت.
- ۱- ارتقاء سطح زندگی خانواده‌ها از طریق اجرای نظام جامع تأمین اجتماعی.
- ۲- پیش بینی واحدهای درسی جدید در نظام نوین آموزش و پرورش تحت عنوان «پلیس و اجتماع» و طرح مباحث مرتبط با آسیب‌های اجتماعی و نقش پلیس در مقابله با آنها و راههای تعامل پلیس و مردم.
- ۳- ارتقاء کارکرد نهادهای خانواده و آموزش و پرورش در جهت شکل دهی و رشد شخصیت و جامعه پذیری آحاد جامعه با التزام به هنجارهای اجتماعی و قانون گرایی.
- ۴- توجه دادن خانواده‌ها به زیان‌های سوء عدم رعایت قانون و مقررات اجتماعی از طریق رسانه‌ها.
- ۵- برقراری ارتباط نظام‌مند بین نهادهای سیستم امنیت اجتماعی در مراحل تصمیم سازی، تصمیم گیری و اجرا.
- ۶- تأمین امکانات موردنیاز پلیس منطبق با جغرافیایی جرم و جبران عقب ماندگی پلیس در این زمینه.

منابع فارسی

- افت‌خاری، اصغر. (۱۳۸۲). شاخصه‌های جامعه امن. *روزنامه ایران*، شماره ۲۶۵۳، ۹/۹/۲۱-۲۱.
- حق پناه، جعفر. (۱۳۷۷). *فصلنامه مطالعات راهبردی*، پیش شماره دوم.
- خوش‌فر، غلامرضا. (۱۳۷۸). *نقش امنیت در تحقق قانونگرایی در جامعه*. تهران: اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۴۴-۱۴۳.



- روش بلاو، ماری و آن، اسپنله. (۱۳۷۲). مفهوم نقش در روانشناسی اجتماعی. ترجمه: ابوالحسن سروقدم مقدم، مشهد: آستان قدس رضوی.
- رحیمی، موقر. (۱۳۳۹). جامعه شناسی خانوادگی. تبریز: انتشارات بی‌تا.
- رجبی پور، محمود. (۱۳۸۲). درآمدی بر احساس امنیت در بستر امنیت عینی. فصلنامه دانش انتظامی، سال پنجم، شماره ۲.
- روزنامه قدس، (۱۳۷۹)، ۲۸ شهریور، انتشارات قدس.
- سیف، سوسن. (۱۳۶۸). تئوری رشد خانواده. تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا (س).
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۵). دایره المعارف علوم اجتماعی. تهران: انتشارات کیهان.
- شاکری، رضا. (۱۳۸۱). مردم، پلیس و امنیت عمومی. تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.
- طیبی - حشمت اله. (۱۳۶۸). مبادی و اصول جامعه شناسی. نشر اسلامیه.
- عیوضی، محمدرحیم. (۱۳۸۰). ارتباط بین توسعه سیاسی و امنیت عمومی. تهران: انتشارات وزارت کشور
- فرخجسته، هوشنگ. (۱۳۷۹). بررسی تاریخی ایستارها و ذهنیتها در ایران و ارتباط آن با امنیت عمومی، تهران: انتشارات وزارت کشور.
- کجباف، محمداقبر و ربانی، رسول. (۱۳۸۱). روانشناسی رفتار ترس، تهران: ناشر آوای نور
- کینگ، ساموئل. جامعه شناسی، ترجمه: مشفق همدانی.
- کارگر شورکی، هدایت. (۱۳۸۰). بررسی رابطه میان الگوی خانواده و سبک مدیریت، تهران: دانشگاه تربیت مدرس
- ماندل، رابرت. (۱۳۷۷). چهره متغیر امنیت ملی. ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- میلر، لیندا. (۱۳۸۰). کار پلیس با مشارکت جامعه، ترجمه، محمدرضا کلهر، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
- نیک گهر، عبدالحسین. (۱۳۶۹). مبانی جامعه شناسی، تهران: نشر رایزن.
- نوروزی خیابانی، مهدی. (۱۳۷۴). فرهنگ اصطلاحات سیاسی، تهران: نشرنی، چاپ چهارم.

منابع لاتین

Brill, N. (1990). *working with people*, 4 th edition longman, New York.



Steworte, W. etal. (1971). *intrduction to sociology*. New York
Newbarnd, T. Trevor Jones (1998). *.Private a security and public plicing*.
clarendeon press, oxford.